

# جلوه‌هایی از بازتاب ایدئولوژی در ترجمه

محمد غضنفری

دانشگاه تربیت معلم سبزوار

ترجمه فعالیتی است آگاهانه و جهت‌دار که، در تمام مراحل آن، هر تصمیمی که مترجم می‌گیرد، هر گزینه‌ای که انتخاب می‌کند، و هر روشی که در پیش می‌گیرد، همه به نحوی متأثر از جهت‌گیریهای ایدئولوژیک او است. در این مقاله، موضوع ایدئولوژی در ترجمه و تأثیر آن بر کار مترجم مورد بررسی قرار گرفته می‌شود.

## ۱. مقدمه

در سراسر تاریخ تمدن، ترجمه همواره به مثابه ابزار تبادل اندیشه‌ها و نشر معارف بشری در زندگی جوامع انسانی تأثیرگذار بوده است. مترجم در بستر اجتماعی-فرهنگی خاصی به کار می‌پردازد و خود پاره‌ای از جامعه زبانی محسوب می‌شود که از ترجمه وی بهره‌مند می‌شوند. بنابراین، ترجمه فعالیتی است هدفمند و جهت‌دار که با عنایت به نیازها، ذوقیات، باورها و تصورات جامعه و فرهنگ مقصد انجام می‌گیرد. از سوی دیگر، در نقد و بررسی ترجمه‌ها غالباً به تقسیم‌بندیهای دوگانه‌ای بر می‌خوریم. منتقدین ترجمه براساس این تقسیم‌بندی‌ها کار مترجم را در یکی از دو قطب یک پیوستار جای می‌دهند. برخی از این تقسیم‌بندیها عبارتند از: "ترجمه آزاد" در مقابل "ترجمه لفظ‌به‌لفظ"، "ترجمه پویا" در مقابل "ترجمه صوری"، "ترجمه ارتباطی" در مقابل "ترجمه معنایی" و مانند اینها. اما حتیم و میسن (۱۹۹۷) بر این باورند که اگر با نگرشی فراگیر به موضوع نگاه کنیم، گزینه‌های مترجم در فرآیند ترجمه را غالباً می‌توانیم در چهارچوب دیدگاههای ایدئولوژیکی وی توجیه و تحلیل کنیم. از نظر ونوتی (۱۹۹۵)، راهبردهای مترجم در فرآیند انتقال متن مبدأ به مقصد ناشی از دیدگاههای ایدئولوژیکی وی است، تا آنجا که شاید بتوان گفت، در طی این طریق، مترجم را از کمند ایدئولوژی گریزی نیست. از این دیدگاه، ترجمه، فی‌نفسه، فعالیتی ایدئولوژیک است. باین وجود، پرسشی که بلافاصله به ذهن می‌آید این است که: آیا چهارچوبی برای بررسی عینی نقش ایدئولوژی در ترجمه وجود دارد، که از طریق آن بتوان جهت‌گیریهای ایدئولوژیک مترجم را در متن نشان داد؟

به عقیده شافنر (۲۰۰۲)، علاوه بر اینکه هر ترجمه‌ای را می‌توان، به خودی خود، محصول یک ایدئولوژی دانست، جنبه‌های ایدئولوژیک هر متن ترجمه شده را نیز می‌توان از دل آن بیرون کشید و در

معروض تماشا گذاشت. او معتقد است که تجزیه و تحلیل ابعاد ایدئولوژیک ترجمه را می‌توان در دو سطح واژگانی (مثلاً، در گزینش واژه‌های خاص و احتراز از واژه دیگر) و دستوری (برای نمونه، به کارگیر ساختار مجهول به منظور خودداری از ذکر انجام‌دهنده کار) انجام داد.

این مقاله به چهارچوب تحلیلی مقوله‌های ژانر (گفتمان‌گونه)، گفتمان و متن، که از سوی حتیم میسن (۱۹۹۰، ۱۹۹۱) برای ارزیابی ترجمه‌ها و به خصوص، تجزیه و تحلیل ابعاد عنصر ایدئولوژی ترجمه پیشنهاد شده است، می‌پردازد. ابتدا هر یک از مقوله‌های گفتمان، گفتمان‌گونه و متن تعریف شده، آنگاه نمونه ترجمه‌های مربوط به هر مقوله نیز ارائه شده و در هر مورد موضوع انعکاس ایدئولوژی در ترجمه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

## ۲. تعریف ایدئولوژی

ایدئولوژی یکی از مفاهیمی است که از سوی صاحب‌نظران در حوزه‌های گوناگون معارف بشری، از قبیل علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ادبیات، زبان‌شناسی و... به کار گرفته شده و در عین حال، تعریف واحدی از آن وجود ندارد و شاید بتوان گفت که یکی از مصداقهای "هرکسی از ظن خود شد یار من" باشد. هاوکینز (۲۰۰۱) ایدئولوژی را سرچشمه اغلب تنش‌های بشری معرفی می‌کند و آن را پدیده‌ای می‌داند که همچون خود زبان، انسانها در طول شبانه‌روز با آن سروکار دارند، اما تا هنگامی که تعارض‌های ناشی از ایدئولوژیهای متفاوت بروز نکرده است، کمتر به تأمل درباره آن می‌پردازند. به نظر وی، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید و باورهایی اطلاق می‌گردد که تجربیات و انتظارات انسانها را شکل می‌دهند. لیکاف (۲۰۰۱) از منظری شناخت‌گرایانه به ایدئولوژی می‌نگرد و آن را گونه‌ای نظام ذهنی و انتزاعی می‌داند که در عین حال دربرگیرنده نظامی اخلاقی نیز هست و راه صواب را از راه خطا جدا می‌کند. به نظر او، ایدئولوژی هم دارای جنبه‌های آگاهانه و بارز و هم جنبه‌های ناآگاهانه و پوشیده است. تعریفی که سیمپسون (۱۹۹۳) از ایدئولوژی به دست داده است و حتیم و میسن (۱۹۹۷) هم همان را پذیرفته‌اند، شاید در حوزه زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی از کارایی بیشتری برخوردار باشد: "ایدئولوژی از مفروضات بدیهی، باورها و مجموعه ارزشهایی نشأت می‌گیرد که وجه مشترک کلیه افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهند" (ص. ۵). اما آخرین تعریفی که شاید گویاتر از سایر تعاریف ایدئولوژی باشد، از آن دکتر یارمحمدی (۱۳۷۹) است: "در زبان‌شناسی، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشتها و ارزشهای نظام‌مندی که در یک جامعه یا بخشی از آن ساری و جاری است اطلاق می‌شود" (ص. ۷).

## ۳. مقوله‌های تحلیلی حتیم و میسن در قلمرو ایدئولوژی و ترجمه

از دیدگاه نشانه‌شناسی، ترجمه فعالیتی است که با مجموعه‌ای از نشانه‌ها سروکار دارد و مترجم می‌کوشد، علاوه بر مقصود نویسنده، ویژگیهای نشانه‌شناختی متن مبدأ را نیز به متن مقصد انتقال دهد.

اما در مسیر این فرایند نقل و انتقال، موانع و محدودیتهایی نیز وجود دارند که می‌توانند بر تصمیم‌ها و روشهای مترجم تأثیرگذار باشند. از جمله مقوله‌های نشانه‌شناختی که ممکن است چنین محدودیتهایی را موجب شوند، می‌توان به ژانر (گفتمانگونه)، گفتمان، و متن اشاره کرد، چه هر یک از اینها حامل اصول، قراردادها، باورها و ارزشهایی خاص است که ممکن است در دو فرهنگ و زبان مبدأ و مقصد لزوماً یکسان نباشند (حتیم و میسن، ۱۹۹۰).

چهارچوبی که حتیم و میسن (۱۹۹۰) برای پژوهش ابعاد ایدئولوژی در ترجمه پیشنهاد کرده‌اند (برای نمونه، نگاه کنید به حتیم و میسن، ۱۹۹۱، ۱۹۹۷، و نیز میسن، ۱۹۹۴) در سه مقوله مرتبط با هم - یعنی، گفتمانگونه، گفتمان، و متن - به بررسی جنبه‌های ایدئولوژی در ترجمه می‌پردازد. در این راستا، فرایندهای حاکم بر پدید آوردن و پذیرش متن و نیز قواعد بلاغی دو زبان مبدأ و مقصد مد نظر قرار می‌گیرند. از دیدگاه آنان، سه مقوله یاد شده به مثابه نظامهای نشانه‌شناختی تلقی می‌گردند که ایدئولوژی در قالب آنها متجلی می‌شود. بنابراین، به سخن میسن (۱۹۹۴)، "بهترین راه بررسی نقش و ابعاد ایدئولوژی در ترجمه، به کارگیری این چهارچوب است" (ص. ۲۶). در زیر، به بررسی این سه مقوله می‌پردازیم.

### ۳.۱ محدودیتهای گفتمانی (Discoursal constraints)

از دیدگاه فرکلا (۱۹۹۵)، "گفتمان عبارت است از کاربرد زبان به منزله یک امر اجتماعی و بنابراین، تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل کیفیت کارکرد متن در بستر اجتماعی - فرهنگی آن است" (ص. ۷). در بحث از محدودیتهای گفتمانی که مترجم در فرایند ترجمه با آنها روبرو است و در موارد بسیاری بر ترجمه وی اثر می‌گذارد، غالباً به عناصری مانند پیوند و ازگانی (lexical cohesion)، نحوه بیان (transitivity) و سازوکار آغاز- پایانه (theme-rheme arrangement) اشاره می‌شود و تأثیرات هر یک بر گزینشهای مترجم از دیدگاه ایدئولوژی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از این روی، در زیر، جداگانه، به هر یک از این مقوله‌ها می‌پردازیم.

#### ۳.۱.۱ سازوکار آغاز- پایانه

از منظر ارتباطی، اگر جمله (یا به تعبیر هالیدی، ۱۹۸۵، "جمله‌واره" clause) را یک پیام در نظر بگیریم، این پیام از دو بخش آغاز (theme) و پایانه (rheme) تشکیل می‌شود. آغاز نقطه شروع پیام است؛ یا به سخن دیگر، آنچه جمله درباره آن است. پایانه دومین جزء جمله را تشکیل می‌دهد و نسبت به آغاز از اهمیت ارتباطی کمتری برخوردار است. پایانه مقصود کلام است و درحقیقت، عبارت است از آنچه گوینده یا نویسنده درباره آغاز می‌گوید. از دیدگاه ارتباطی، پایانه مهم‌ترین جزء ساختار جمله را تشکیل می‌دهد، زیرا هدف ارتباطی پاره گفتار (utterance) را محقق می‌سازد و حاوی اطلاعاتی است

که گوینده یا نویسنده قصد انتقال آن را به شنونده یا خواننده دارد (بیکر Baker، ۱۹۹۹). به دو مثال زیر توجه کنید:

### آغاز

(۱) کوچک‌ترین سکه انگلستان

(۲) نیم‌پنی

### پایانه

نیم‌پنی است.

کوچک‌ترین سکه انگلستان است.

(نقل با ترجمه از هالیدی، ۱۹۸۵، ص ۳۹)

لازم به یادآوری است که آغاز لزوماً یک گروه اسمی (مانند مثالهای بالا) نیست. یک گروه قیدی یا حرف اضافه‌ای هم می‌تواند در جایگاه آغاز ظاهر شود. در مصراع: "سألها دل طلب جام جم از ما می‌کرد"، قید سالها در مقام آغاز ظاهر شده است. همین‌طور، در جمله: "در روزگاران دور، پادشاهی ستمگر بر سرزمینی فرمانروایی می‌کرد"، گروه حرف اضافه‌ای در روزگاران دور آغاز جمله است.

هالیدی (۱۹۸۵) درباره دو مثال (۱) و (۲) می‌گوید این دو جمله پیام واحدی را انتقال نمی‌دهند؛ بین آنها تفاوت معنایی وجود دارد و بنابراین، دو پیام مختلف را منتقل می‌کنند. جمله (۱) درباره "کوچک‌ترین سکه انگلستان" است حال آنکه جمله (۲) درباره "نیم‌پنی" صحبت می‌کند. به سخن دیگر، چنانچه آغاز جمله عوض شود، معنای پیام و اهمیت ارتباطی آن نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. به همین قیاس، به اهمیت سازوکار آغاز-پایانه در ترجمه نیز می‌توان پی برد. مقایسه دو مثال زیر، که هر دو از اصل عربی به انگلیسی ترجمه شده‌اند، اهمیت این موضوع در کار مترجم را به خوبی به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که سازوکار آغاز-پایانه در برگردان متن (ب) مورد توجه قرار نگرفته است و بنابراین از زبان هالیدی نقل شد، معنا و اهمیت ارتباطی پیام دگرگون شده است.

### متن (الف):

این کتاب توصیفی تحلیلی- تاریخی از عمده‌ترین سازمانهای اسلامی مصر به دست می‌دهد. همه این سازمانها - یعنی اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، و الجهاد - در برخوردهای خشونت‌آمیز علیه دولت دخالت داشته‌اند.

### متن (ب):

این کتاب توصیفی تحلیلی- تاریخی از عمده‌ترین سازمانهای اسلامی مصر به دست می‌دهد. اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، و الجهاد سازمانهایی هستند که همگی در برخوردهای خشونت‌آمیز علیه دولت دخالت داشته‌اند.

(نقل با ترجمه از حتم و میسن، ۱۹۹۰، ص ۲۱۴)

تفاوت دو متن از نظر آغاز-پایانه در دومین جمله آنهاست. حتم و میسن تفاوت دو روایت را اینگونه

نشان می‌دهند:

متن (الف): (همه این ساز مانها) <<< (دخالت داشته‌اند)

متن (ب): (اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، و...) <<< (ساز مانهایی هستند)

به عبارت دیگر، دو روایت به دو نوع تأکید کاملاً متفاوت منجر می‌شود:

متن (الف): "همه این ساز مانها دخالت داشته‌اند"

متن (ب): "اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، و... ساز مانهایی هستند..."

در حالی که پایانه متن (الف) مسأله "دخالت این ساز مانها در خشونت‌ها" را مورد تأکید قرار می‌دهد، در پایانه متن (ب) "دخالت ساز مانها در خشونت‌ها" نامشهود یا بسیار کم‌رنگ جلوه می‌کند و جمله صرفاً به نوعی "تعریف" تبدیل می‌شود.

### ۳.۱.۲ پیوند واژگانی

پیوند (cohesion) مفهومی است معنایی و به روابط معنایی درون متن برمی‌گردد. به سخن دیگر، هرگاه تعبیر و تفسیر عنصری در متن منوط به تعبیر و تفسیر عنصر دیگری در همان متن باشد، با پیوند سروکار داریم. حتم و میسن (۱۹۹۷) پیوند را شرط لازم گروه جملاتی می‌دانند که متن را به وجود می‌آورند. پیوند از دو طریق پیوند دستوری و پیوند واژگانی تحقق می‌یابد. پیوند واژگانی غالباً از راه گزینش و تکرار واژگان حاصل می‌گردد و مستلزم تکرار یک واژه خاص، جایگزینی یک اسم عام، کاربرد واژه‌های مترادف- یا تقریباً مترادف- و نیز کاربرد واژه‌های مرتبط با واژه‌ای است که پیش‌تر در متن ظاهر شده است (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶). پدیدآورنده متن با تکرار واژگانی نگرش خاصی را تلویحاً مورد تأکید قرار می‌دهد و بنابراین، یکی از وظایف عمده مترجم توجه به پیوندهای واژگانی متن است. به نمونه زیر که برگرفته از رمانی است به عربی به قلم نجیب محفوظ، نویسنده مصری و برنده جایزه ادبی نوبل، بنگرید، که در آن پیوند واژگانی از طریق تکرار فعل "بیدار شدن" تحقق یافته است. یادآور می‌شوم که شخصیت این پاره از داستان زنی عرب است.

نیمه‌های شب بیدار شد. همیشه همین وقت شب، بدون نیاز به ساعت زنگ‌دار، بیدار می‌شد.

آرزویی که ریشه در درون او داشت، درست به موقع بیدارش می‌کرد. با وجود این، تالخطاتی چند

باورش نمی‌شد که بیدار شده است...

(نقل با ترجمه و اندکی تغییر از حتم و میسن، ۱۹۹۷، ص ۳۴)

در نقد ترجمه انگلیسی این تکه از رمان، حتم و میسن یادآور می‌شوند که مترجمان متن چنین تکرار پیوسته‌ای را در برگردان انگلیسی نامناسب دانسته و با وجود این که به مقصود بلاغی نویسنده از این همه تکرار واقف بوده‌اند، راهی میانه در پیش گرفته و با آوردن واژه‌هایی مترادف فعل "بیدار شدن" از تکرار

آن خودداری کرده‌اند. روشن است که با این نوع برگردان، مقصود اصلی نویسنده که انگشت گذاردن وضعیت اجتماعی زنان در جامعه عرب است خدشه‌دار شده است؛ چرا که نویسنده شاید با این تکرار قصد آن داشته که تکراری بودن زندگی اجتماعی و خانوادگی زنان عرب و وضعیت مصیبت‌بار پایان‌ناپذیر آنان را ترسیم کند.

### ۳.۱.۳ نحوه بیان

در بحث از تجزیه و تحلیل متن، هالیدی (۱۹۸۵) معتقد است که تحلیل متن از هر نوعی که باشد، چه ترجمه چه غیر آن، باید مبتنی بر دستور زبان باشد و تصور اینکه، فی‌المثل، گفتمان را می‌توان بدون نیاز به دستور تجزیه و تحلیل کرد توهمی بیش نیست. دستوری که وی تحلیل متن را براساس آن پیشنهاد می‌کند، در زبانشناسی به دستور سامانه‌ای-کارکردی (Systemic-Functional Grammar) شناخته شده است.

اهل زبان به طرق مختلف می‌توانند تجربه و احساس خود از رویدادها و تصویر ذهنی‌ای را که از واقعیت‌های این جهان دارند به بیان در آورند. در دستور هالیدی این گزینشها در چهارچوب سیستم نحوه بیان (transitivity) انجام می‌شود. نحوه بیان، کیفیت تجلی معنا را در قالب جملات تحقق می‌بخشد و این کار را با استفاده از فرایندهای مختلف (گروههای فعلی) انجام می‌دهد. به‌طور کلی، فرایندهای معنایی که در قالب جمله بیان می‌شوند دارای سه مؤلفه بالقوه هستند:

- (۱) خودفرایند، که در شکل گروه فعلی ظاهر می‌گردد
- (۲) شرکت‌کنندگان در فرایند، که نقشهای مختلف را در قالب گروههای اسمی بر عهده می‌گیرند
- (۳) شرایط فرایند، که از طریق گروههای قیدی یا حروف اضافه‌ای تحقق می‌یابند (برای مطالعه بیشتر، نگاه کنید به سیمپسون، ۱۹۹۳).

هالیدی شش نوع فرایند بر می‌شمرد، اما سه فرایند مادی (Material)، ذهنی (Mental) و اعتباری (Relational) را عمده‌ترین آنها می‌نامد، که مجال شرح و تفصیلی فراتر از حوصله این بحث می‌طلبد. آنچه در اینجا گفتنی است این است که تغییر صورت فرایندها در ترجمه می‌تواند ایدئولوژی نویسنده متن مبدأ را دستخوش دگرگونی سازد. حتمیم و میسن تأکید می‌ورزند که تغییر ساختار جمله (مثلاً، از معلوم به مجهول یا به عکس، تغییر فرایند ارادی به (غیرارادی، و...) می‌تواند نشان‌دهنده جهان‌بینی‌ها و گرایشهای ایدئولوژیک متفاوت باشد. سایکس (۱۹۸۵) دو جمله زیر را مقایسه کرده و نحوه بیان جمله دوم-در قیاس با جمله اول-را نشانگر نگرشهای تبعیض‌آمیز در گفتمان می‌داند:

(الف) جوانان سیاهپوست پلیس را سنگ‌باران کردند.

(ب) پلیس از سوی جوانان سفیدپوست سنگ‌باران شد.

گرچه هر دو جمله حاوی اطلاعات یکسانی هستند (جز اینکه پرتاب‌کنندگان سنگ در (الف) سیاهپوست و در (ب) سفیدپوست هستند)، باین وجود، جمله مجهول (ب) جوانان سفیدپوست را از کانون توجه جمله محو ساخته و تأکید کلام را بر پلیس متمرکز می‌سازد؛ و بدین ترتیب، فاعلیت جوانان را کم‌رنگ جلوه می‌دهد.

### ۳.۲ محدودیت‌های متنی (Textual constrains)

در زیان‌شناسی، متن پاره‌ای است کلامی (چه در قالب گفتار، چه در قالب نوشتار)، در حجم و اندازه متفاوت، که یک واحد منسجم و به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد. متن دارای مشخصه‌هایی است که آن را از غیر متن (مثلاً، شماری از جملات بی ارتباط با هم) متمایز می‌سازد و از نظر اندازه، ممکن است در حد یک ضرب المثل یا یک نمایشنامه از شکسپیر باشد (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶). متن‌ها را براساس موضوع گفتمان یا کارکرد آنها می‌توان به دسته‌هایی مانند "ژورنالیستی"، "علمی"، "مذهبی"، "ادبی"، و... دسته‌بندی کرد. گرچه گفته می‌شود متن‌ها از نظر کارکردی گاهی مبهم و سیال هستند و همزمان چندین مقصود را بیان می‌کنند به طوری که دسته‌بندی آنها کار بسیار دشواری است، با وجود این، ورلیچ (۱۹۷۶)، در حتم و میسن، (۱۹۹۰) بر این باور است که در هر متن، همواره یک هدف بلاغی و یک مقصود مشخص، در مقایسه با دیگر اهداف جنبی متن، از بروز و نمود بیشتری برخوردار است، به گونه‌ای که متن را بر پایه این کانون محوری آن می‌توان در دسته‌ای مشخص قرار داد و مقصود آن را کشف کرد. برای نمونه، در متن خبری، گزارش رویدادها کانون محوری متن را تشکیل می‌دهد؛ اما، به حکم ضرورت، ممکن است رگه‌هایی از داوری ارزشی نیز در متن راه یابد، که البته جزء اهداف جنبی متن محسوب می‌شود و مغایرتی با هدف اصلی متن ندارد.

حتیم و میسن (۱۹۹۱) یادآور می‌شوند که راهکارهای ترجمه گفتمان و گفتمان‌گونه با ترجمه متن متفاوت است، زیرا ماهیت متن با دو مقوله دیگر متفاوت بوده و از این روی مستلزم راهکارهایی جداگانه است. دلیل این امر آن است که گفتمان و گفتمان‌گونه در متن تحقق عینی پیدا می‌کنند و بنابراین، گزینه‌های مترجم در مواجهه با متن، در مقایسه با این دو، بسیار محدودتر است. برای نمونه، این دو محقق به برگردان انگلیسی یکی از پیام‌های آیت... خمینی اشاره می‌کنند که برگردان تقریباً لفظ به لفظ گفتمان و گفتمان‌گونه آن به تأثیری مشابه متن مبدأ دست یافته، درحالی که برگردان لفظ به لفظ ویژگی‌های متنی آن با انتظارات خوانندگان فرهنگ مقصد هماهنگی ندارد. حتیم و میسن به ترجمه جمله زیر اشاره می‌کنند:

البته این به معنای آن نیست که ما از همه روحانیون دفاع می‌کنیم.

Of course this does not mean that we should defend all clergymen.

معنی واژه "البته" در زبان فارسی و در یک متن استدلالی با معنی عبارت مترادف آن ('of course' در انگلیسی متفاوت است، زیرا در انگلیسی، گوینده یا نویسنده پس از این عبارت ابتدا موافقت خود را موضوعی اعلام می‌کند و بلافاصله با آوردن واژه ربط دیگری که نشان‌دهنده "مغایرت" یا "تضاد" است (مانند however, but,...) به مخالفت با موضوع بر می‌خیزد. در ترجمه لفظ به لفظ جمله بالا این رویه نقض شده و انتظار خواننده متن مقصد برآورده نشده است. از این جهت، حتیم و میسن برگردان زیر را پیشنهاد کرده‌اند:

Under no circumstances does this mean that we should defend...

### ۳.۳ محدودیتهای گفتمانگونه‌ای (Generic constraints)

ژانر، یا به تعبیر دکتر یارمحمدی (۱۳۸۰)، "گفتمانگونه"، به متنی اطلاق می‌گردد که هدف ارتباطی خاصی را برآورده می‌سازد. برای مثال، "سرمقاله" در روزنامه‌های روزگار ما گفتمانگونه‌ای مستقل را تشکیل می‌دهد؛ نیز در قلمرو ادبیات، شعر و داستان کوتاه دو گفتمانگونه‌ای ادبی مجزا به حساب می‌آیند که هر یک اصول و قراردادهای خاص خود را می‌طلبد. کرس (۱۹۸۵؛ در حتیم و میسن، ۱۹۹۰، ص. ۶۹) گفتمانگونه‌ها را متن‌هایی می‌داند "که به شکلی قراردادی نقش‌ها و اهداف ویژه‌ای را در موقعیتهای اجتماعی خاصی منعکس می‌کنند." گفتمانگونه‌ها، به سخن حتیم و میسن، ممکن است ادبی یا غیرادبی و زبانی یا غیرزبانی (مثلاً، مراسم غسل تعمید در آیین مسیحیان) باشند. مارتین (۱۹۸۵؛ در حتیم و میسن، همان) بر این باور است که اصول و قراردادهای حاکم بر گفتمانگونه‌ها به منزله نشانه‌های ویژه فرهنگ‌های خاص تلقی می‌شوند و شیوه بیان، یارمزگذاری، آنها در فرهنگ‌های گوناگون، متفاوت است. نکته بااهمیتی که باید بدان اشاره کرد این است که گفتمانگونه‌ها بر تصمیمات مترجم تأثیر می‌گذارند و ناگفته پیداست که مترجم در جریان برگردان متن، وقتی با تنگناهای ناشی از گفتمانگونه مواجه می‌گردد- مثلاً به مواردی بر می‌خورد که در فرهنگ مقصد شناخته شده و پذیرفته نیست- بیشتر ترجیح می‌دهد بر وفق سنت گفتمانگونه در فرهنگ خویش عمل کند، که درحقیقت، می‌توان گفت بازتاب ایدئولوژی وی در ترجمه است. درغیراین صورت، ترجمه وی رنگ‌وبوی "آشنایی‌زدایی" به خود (foreignization) خواهد گرفت (نگاه کنید به ونوتی ۱۹۹۵، ۱۹۹۸).

نخستین نمونه‌ای که در زیر مشاهده می‌کنید، ترجمه‌ای است از عربی به انگلیسی و برگرفته از گفتمانگونه "گزارش خبری":

اعلیحضرت امیر شیخ عیسی الخلیفه... قاضی القصبی، سفیر بحرین در ایالات متحده امریکا را به حضور پذیرفتند. (نقل با ترجمه از حتیم و میسن، ۱۹۹۰، ص. ۶۵)



اما در متن اصلی، جمله‌واره‌ای توصیفی نیز وجود داشته است که به دلیل ناهمخوانی با اصول گفتمان‌گونه‌ای انگلیسی، مترجم اقدام به حذف آن کرده است. روایت اصل خبر، با ترجمه لفظ به لفظ چنین است:

... سفیر بحرین در ایالات متحده را، که به مناسبت بازگشت از محل مأموریت خود در واشنگتن، برای ادای احترام به پیشگاه ملوکانه و پرس و جوی احوال معظم‌له شرفیاب شده است،...

به گمان مترجم، این جمله‌واره زاید بوده و کاربرد آن منحصر به فرهنگ مبدأ است، فرهنگی که در آن احترام به خاندان سلطنتی حتی در حوزه گفتمان‌گونه "گزارش خبری" نیز ضروری است. به زعم وی، برای خواننده انگلیسی‌زبان، که انتظارات وی از یک گزارش خبری با انتظارات خوانندگان متن اصلی متفاوت است، همان ترجمه بالا مناسب‌تر است.

دامنه بحث را به قلمرو ادبیات می‌کشانیم، و نمونه دوم را به ترجمه شعر اختصاص می‌دهیم. گرچه بحث درباره ترجمه انگلیسی فیتز جرالده از رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری شایسته مجال و مقالی مفصل‌تر از این است، در اینجا برای آن که محدودیتها، یا گزینه‌های، مترجم در قلمرو گفتمان‌گونه شعر را یار آور شوم، به نقل نمونه‌ای از ترجمه رباعیات اکتفا می‌کنم.

می‌دانیم که فیتز جرالده در اواسط سده نوزدهم میلادی دست به ترجمه رباعیات خیام زد و در پنج نوبت تغییرات و اصلاحاتی در اثر خود انجام داد، که هم‌اکنون پنج روایت از ترجمه وی در دسترس ما است. با آن که تعداد کمی از حدود یکصد رباعی وی را می‌توان، تا حدودی، با اصل آنها مطبق دانست (نگاه کنید به دسته‌بندی مرحوم فروغی از ترجمه رباعیات، در ویرایش خرمشاهی، ۱۳۷۳، که ترجمه حدود چهل رباعی را تا حدودی با رباعیات خیام منطبق می‌داند)، به‌طور کلی، ترجمه وی از رباعیات خیام چندان مقید به اصل نیست و در خوشبینانه‌ترین تحلیل - آن هم در مورد رباعیاتی که رد پای اصل رباعیات خیامی را می‌توان به وضوح در آنها پیگیری کرد - شاید بتوان گفت ترجمه‌ای است کاملاً آزاد. در واقع اگر با معیارهای امروزی ترجمه‌شناسی کار فیتز جرالده را ارزیابی کنیم، شاید درست‌تر آن باشد که اثر وی را "اقتباس" (adaptation) بنامیم. به‌عنوان نمونه، به رباعی زیر و ترجمه آن بنگرید:

وز می‌دو منی ز گوسفندی رانی	گر دست دهد ز مغز گندم نانی
عیشی بود آن نه حد هر سلطانی	با لاله‌رخ و گوشه بستانی

(رباعیات خیام، ویرایش خرمشاهی، ۱۳۷۳، ص. ۱۶۷)

A Book of Verses underneath the Bough,

A Jog of Wine, a loaf of Bread and Thou

Beside me singing in the Wilderness-  
Oh, Wilderness were Paradise enow!

(Fitzgerald, Rubaiyat of Omar Khayyam, 5<sup>th</sup> ed., p. 156)

ملاحظه می‌کنید که در ترجمه فیتز جرالده از رباعی فوق، عبارت "ز گو سفندی رانی" حذف و به جای آن "A Book of Verses" افزوده شده است. این کاستن و افزودن را باید با نگرش فیتز جرالده به مقوله شعر توجیه کرد. بنا بر سنت شعری دوره ویکتوریا، که مترجم به آن تعلق دارد، تعبیری مانند "A leg of mutton" یا "A leg of lamb" نمی‌توانست شاعرانه تلقی شود و بنابراین، به زعم مترجم، باید تعبیر شاعرانه‌ای مثل "A Book of Verses" جای آن را بگیرد (لفویر، ۱۹۹۲، ص. ۴).

از سوی دیگر، علاوه بر لفویر، نویسندگانی مانند ونوتی (۱۹۹۵) و عبدالله (۱۹۹۹) بر این باورند که فیتز جرالده به رباعیات خیام به دیدهٔ حقارت می‌نگریسته، ادبیات فارسی را در جایگاهی نازل‌تر از ادبیات غرب و به خصوص ادبیات کلاسیک یونان و روم تصور می‌کرده، و بنابراین به خود اجازه می‌داده است که در ترجمه رباعیات هر تغییری را اعمال کند و در نهایت، شعری باب طبع و ذوق خوانندگان انگلیسی به آنان عرضه کند. لفویر (۱۹۹۲) بر این اعتقاد است که اگر قرار بود فیتز جرالده از یکی دیگر از زبانهای "برتر" و پرآوازهٔ جهان، مانند یونانی یا لاتین، ترجمه کند، هرگز اجازهٔ چنین دگرگونی‌هایی را به خود نمی‌داد.

تغییراتی که فیتز جرالده در محتوای رباعیات خیام انجام داده است، تا حدی است که ونوتی (۱۹۹۵) ترجمهٔ وی را نمونهٔ بارز "غرابت‌زدایی" (domestication) می‌داند و به نقل از بانتینگ (۱۹۳۶)، که خود از ستایشگران ترجمهٔ فیتز جرالده است، می‌نویسد: فیتز جرالده اشعاری را "ترجمه" کرده است که وجود خارجی نداشته‌اند. و در عین حال، رباعیاتی را به خیام نسبت داده است که اگر عمر خیام در انگلستان دیده به جهان گشوده بود، همین سخنان را بر زبان می‌راند. (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۱۸۹)

#### ۴. نتیجه‌گیری

اگر از تقسیم‌بندی روشهای ترجمه به دو روش غرابت‌زدایی و آشنایی‌زدایی، که حدود دو سده پیش از سوی شلایر مایر (۱۸۱۳) پیشنهاد شده است - و ونوتی (۱۹۹۵) نیز بر آن مهر تأیید زده و براساس آن در نقد و ارزیابی ترجمه‌هایی که در انگلستان و آمریکا طی سیزده سال گذشته انجام گرفته است روند غرابت‌زدایی را حاکم می‌داند - بگذریم، در حوزهٔ ترجمه‌شناسی، شاید بتوان گفت که تاکنون در نقد ترجمه‌ها، و به خصوص، ارزیابی گرایشهای ایدئولوژیک مترجم، کمتر چهارچوب تحلیلی نسبتاً منسجمی، نظیر آنچه از سوی حتمیم و میسن پیشنهاد شده است و در این مقاله به آن پرداختیم، ارائه شده است. با وجود این، بررسیهای دقیق‌تر نشان می‌دهد که چهارچوب یاد شده، با وجود همهٔ سودمندیهایی که می‌تواند داشته باشد، (و می‌دانیم که تاکنون در چندین پژوهش تحلیلی، به ویژه برای مطالعهٔ جنبه‌های

ایدئولوژیک ترجمه، از سوی محققان به کار گرفته شده است؛ برای نمونه، حتیم و میسن، ۱۹۹۱؛ میسن، ۱۹۹۴؛ پرز، ۲۰۰۲)، به نظر می‌رسد بعضی از نمودهای آشکار ایدئولوژی در ترجمه را در بر نمی‌گیرد. به بیان دیگر، دست‌کم می‌توان گفت بعضی از موارد آشکار اعمال ایدئولوژی از سوی مترجم در هیچ‌یک از مقوله‌های سه‌گانه‌گفتمان، گفتمان‌گونه و متن نمی‌گنجد. در اینجا فقط به دو نمونه اشاره می‌کنم و داوری نهایی را به خوانندگان گرامی وامی‌گذارم.

الف: ترجمه فرانسوی ولتر (۱۷۳۴) از نمایشنامه بسیار معروف هملت اثر ویلیام شکسپیر در حافظه تاریخ، ترجمه ماندگاری است، همچنان که تک‌گویی هملت در فراز مشهوری از این نمایشنامه، "بودن یا نبودن، بحث در این است" (ترجمه مجتبی مینوی)، نیز در حافظه بسیاری از خوانندگان آثار شکسپیر مانده و خواهد ماند. ولتر مصراع معروف را چنین ترجمه کرده است: وجدان، جنگ‌آوری دلیر را به بزدلی نصرانی مبدل می‌سازد.

"Thus conscience doth make cowards of us all"

(نقل با ترجمه از فاست، ۱۹۹۸، ص. ۱۰۹)

روشن است که چنین ترجمه‌ای نشان‌دهنده نگرش منفی ولتر به مذهب است، که با دگرگون ساختن معنای این سطر در صدد القای این ایدئولوژی به خوانندگان فرانسوی‌زبان خود برآمده است.

(ب) همه ما می‌دانیم که یونانیان باستان به خدایان متعددی اعتقاد داشتند و تقریباً برای هر پدیده‌ای که بتوان تصور کرد، اعم از طبیعی یا انتزاعی، ملموس یا غیرملموس (کوه، دریا، جنگل، عشق، شعر، جنگ، باران، و...)، خدایی قائل بودند و قدرتمندترین خدایان آنان زئوس نام داشت. اما فیتس Fitts، مترجم معروف معاصر امریکایی، که بسیاری از آثار کلاسیک ادبیات امریکای لاتین را به انگلیسی برگردانده است، به گفته ونوتی (۲۰۰۰)، در برگردان اشعار یونان باستان "زئوس" را به "God" ترجمه کرده است، که این توهم را می‌تواند در خواننده ایجاد کند که گویا یونانیان باستان نیز مردمانی یکتاپرست بوده‌اند. این ترجمه حداقل اعتقاد به چند خدایی در میان یونانیان باستان را نمی‌رساند.

### منابع انگلیسی

Abdulla, A. K. (1999). Aspects of ideology in translating literature. *Babel*, 45(1), 1-16.

Baker, M. (1999). *In other words: A coursebook on translation*. London and New York: Routledge.

Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London and New York: Longman.

Fawcett, P. (1998). Ideology and translation. In M. Baker (Ed.), *Routledge Encyclopedia of translation studies* (pp. 106-111). London and New York:

Routledge.

Halliday, M. A. K. (1985). *An introduction to functional grammar*. London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K. & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London and New York: Longman.

Hatim, B. (1999). Implications of research into translator invisibility. *Target*, 11(2), 201-222.

Hatim, B. & Masn, I. (1990). *Discourse and the translator*. London and New York: Longman.

Hatim, B. & Mason, I (1991). Coping with ideology in professional translating. *Interface: Journal of Applied Linguistics*, 6(1), 23-32.

Hatim, B. & Mason, I. (1997). *The translator as communicator*. London and New York: Routledge.

Hawkins, B. (2001). Incorporating tensions: On the treatment of ideology in cognitive linguistics. In R. Dirven, B. Hawkins, & E. Sandikcioglu (Eds.), *Language and ideology: Vol. 1. Theoretical cognitive approaches* (pp. 1-22). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.

Lefevere, A. (Ed.) (1992b).. *Translation/history/culture: A sourcebook*. London and New York: Rouledge.

Mason, I. (1994). Discouse, ideology, and translation. In R. D. Beaugrande, A. Shunnaq. M. H. Heliel (Eds.), *Language, discouse and translation in the West and Middle East* (pp. 23-34). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.

Perez, M. C. (2002). A three-level methodology for descriptive-explanatory trnalsation studies. *Target*, 13(2), 203-39.

Pires de Oliveira, R. (2001). Language and ideology: An interview with George Lakoff. In Dirven, B. Hawkins, & E. Sandikcioglu (Eds.), *Language and ideology: Vol. 1. Theoretical cognitive approaches* (pp. 23-47). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.

Schaffner, C. (2002). Translation, politics, ideology. In K. Hardey (Ed.), *CTIS occasional papaers: Vol. 2* (pp. 97-111). Manchester: UMIST.

Simpson, P. (1993). *Language, ideology and point of view*. London and New York: Routledge.

Sykes, M. (1985). Discrimination in discourse. In T. A. van Dijk (Ed.), *Handbook*

*of discourse analysis: Vol.4. Discourse analysis in society* (pp. 83-102). London: Academic Press.

Venuti, L. (1995). *The translator's invisibility: A history of translation*. London and New York: Routledge.

Venuti, L. (1998). Strategies of translation, In M. Baker (Ed.), *Encyclopedia of translation studies* (pp. 240-244). London and New York: Routledge.

Venuti, L. (Ed.). (2000). *The translation studies reader*. London and New York: Routledge.

### منابع فارسی

خیام، ع. (۱۳۷۳). رباعیات خیام. (م. فروغی و ق. غنی، مصحح؛ ب. خرمشاهی، ویراستار). تهران: ناهید.

یارمحمدی، ل. (۱۳۸۰). واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای در واژه‌شناسی مقابله‌ای: تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی و ترجمه ادبی. در ع. خزاعی فر (به اهتمام)، مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران (صص. ۲۹-۳۲۳). مشهد: نشر بنفشه.

یارمحمدی، ل. (۱۳۷۹). بهره‌گیری مترجم از تحلیل گفتمان (بخش اول). مترجم، ۳۲، ۱۰-۳.